

بازنمایی بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در سریال‌های تلویزیونی (مطالعه موردی: سریال دریا)

سعید فرامرزیانی^۱؛ سجاد فرجی^۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل محتوای بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در سریال‌های رسانه ملی انجام شده است. در ابتدا، از مبانی نظری ارتباطات زیست‌محیطی- مبنی بر نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به تعامل جوامع و محیط‌زیست، آگاهی‌بخشی و نحوه مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی- بهره برده‌ایم. در ادامه، نظریه‌های «تأثیر پیام‌های ارتباطی»، «سه‌گانه یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری»، «برجسته‌سازی» و نظریه «چارچوب‌سازی» را با محوریت برساخت معنا مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قراردادی بدون تحمیل مقوله‌های ازپیش‌تعیین‌شده استفاده شده است. جامعه آماری، سریال «دریا»ست و مضامین مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب و تحلیل شده‌اند. در سریال «دریا»، بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه، اثرات اجتماعی و اقتصادی آشکاری را بر جوامع پیرامون حوضه آبریز تحمیل کرده که پدیده‌های بیکاری، مهاجرت، افزایش جرم، از بین رفتن کشاورزی، تعطیلی کشتی‌رانی و صنعت گردشگری از جمله آنهاست. سریال «دریا»، دومقوله «مدیریت منابع آب» و «اصلاح روند توسعه نامتوازن کشاورزی» را به عنوان راهکارهای گذر از بحران، ارائه و آینده احیای دریاچه ارومیه را امیدبخش ترسیم می‌کند. در این سریال، انسان، مهم‌ترین عامل اثرگذار در پدیدآمدن بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه تصویر شده، اما این عامل، بدون طرح مسئله یا پرداختن به معضلات اقدامات کلان‌سیستم تنها به مسئله اقدامات انسان به مثابه کشاورز در سطح خرد بسنده می‌کند.

واژه‌های کلیدی

بحران آب، دریاچه ارومیه، بازنمایی، سریال تلویزیونی «دریا».

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. دکترای تخصصی علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
ssffma@yahoo.com

۳. دانشجوی دکترای تخصصی علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
sajaad.faraji@gmail.com

مقدمه

یکی از مهمترین شاخص‌های دستیابی به توسعه پایدارا حفاظت از محیط‌زیست و برخورداری از محیط‌زیست سالم است. فرایند توسعه در دستیابی به توسعه پایدار باید ضامن حفظ محیط‌زیست باشد و اصل ۲۵ اعلامیه ریو^۱ تأکید می‌کند که صلح، توسعه و محیط‌زیست یک وابستگی دوسویه دارند و جدایی‌ناپذیرند (رضائی، ۱۳۹۵: ۶۳). اما پیش‌نیازِ ضروری این توسعه پایدار در درازمدت، وجود سطح بالایی از دغدغه و توجه زیست‌محیطی در میان دولتمردان و عامه مردم است. پیش‌نیازی که خود، وابسته به میزان و کیفیت آگاهی از مشکلات زیست‌محیطی مخابره شده توسط رسانه‌های جمعی است (بونفادلی، ۲۰۱۰: ۲۷۵).

در حال حاضر، وضعیت کنونی دریاچه ارومیه و بحران زیست‌محیطی آن نمونه بارز توسعه نامتوازن و ناپایدار است. عوامل مختلف انسانی و طبیعی به مرور زمان موجب بروز بحران آب و کاهش تراز آبی دریاچه ارومیه شده به نحوی که ۷۰ درصد از مساحت دریاچه خشک و بیش از نیمی از وسعت آبی آن به شوره‌زار تبدیل شده است و تداوم این روند تأثیرات محسوس و نامحسوس بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردمان این منطقه خواهد داشت. در این بین تکلیف رسانه‌ها به عنوان یکی از مهمترین ابزار توسعه فرهنگی چیست؟ رسانه‌ها به عنوان بازتاب دهنده ارزشهای فرهنگی همواره از امکان ترویج ارزشها، بازنمایی واقعیت‌ها و پیریزی نظم نوین برخوردارند. رسانه‌های ارتباطی ادراکات، فهم‌ها، هراس‌ها و دغدغه‌های ما نسبت به طبیعت را شکل می‌دهند. بنابراین، باورها و دانش ما درباره محیط زیست و شیوهایی که به آن معنا می‌بخشیم، آن را می‌نگریم، درک می‌کنیم، به آن ارزش می‌بخشیم و با آن مرتبط می‌شویم چه به عنوان افراد و چه به عنوان فرهنگها و جوامع، به واسطه رسانه‌ها فراهم و در واقع، بر ساخته می‌شود (منتظر قائم، ۱۳۹۵: ۱۵۴). رسانه‌ها، ضمن برجسته‌سازی مسائل محیط‌زیست و آگاهی‌بخشی درباره اثرات تهدیدهای محیطی با اعلام سیاست‌ها

1. Sustainable development

۲. کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط زیست و توسعه، ژوئن ۱۹۹۲- ریودوژانیرو

و اقدامات طبقه حاکم در افزایش پاسخگویی سیاستمداران و دولتمردان درخصوص مسائل زیست‌محیطی تاثیرگذار هستند.

در جهان معاصر، رسانه‌های عامه‌پسند از جمله تلویزیون از مهمترین منابع فرهنگی در زندگی‌رومزه محسوب می‌شوند، چرا که تلویزیون رسانه‌ای قابل دسترس در اغلب خانه‌ها است و در واقع استفاده از آن فعالیتی روزمره و عادی است که افراد آن را به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره خود انجام می‌دهند. فیسکا^۱ درخصوص نقش تلویزیون در زندگی‌رومزه، می‌گوید: «تلویزیون برنامه‌هایی آکنده از معانی نهفته پخش می‌کند و می‌کوشد با مهار این معانی، آنها را به معنایی یگانه و مرجح تبدیل کند، معانی که کارکرد جهان‌بینی غالب را داشته باشد» (فیسکا، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

با این رویکرد، در این پژوهش به سراغ متنی از تلویزیون به نام «سریال دریا» رفته‌ایم. دریا، آنگونه که از نام آن پیداست، موضوع محوری سریال دریاچه ارومیه و بحران زیست‌محیطی آن است. فیلمنامه سریال مضمونی اجتماعی دارد و در آن بحران دریاچه ارومیه با تأکید بر آثار اجتماعی و فرهنگی پروبلماتیزه و روایت می‌شود. در این سریال، معیشت کشاورزان حوزه آبریز دریاچه، اقتصاد منطقه، وضعیت حیات وحش پیرامون دریاچه و رفتار زیست‌محیطی مردم منطقه و تلاش برای احیای دریاچه در قالب درام اجتماعی به تصویر کشیده شده است. براساس مشاهدات نخستین محقق، دریاچه ارومیه در این سریال به عنوان نماد هویت مردم منطقه بازنمایی و تداوم بحران زیست‌محیطی آن به منزله از بین رفتن این هویت ترسیم شده و پدیده‌های مهاجرت، بیکاری و به طور کلی تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی از جمله تهدیدهای محیطی این بحران نشان داده شده است. ماجرای سریال از این قرار است که دختری به نام دریا به همراه پدرش دکتر ناصرافشار پس از بیست سال دوری از وطن به ایران بازمی‌گردند. دریا در طول مدت اقامتش در شهر ارومیه زادگاه پدری‌اش، قصد دارد از دریاچه ارومیه فیلم مستند تهیه کند و فیلمنامه نیز از خلال آن، اوضاع دریاچه ارومیه را روایت کند.

1. John Fiske

در این پژوهش، تکیه محقق بر مضامین و عناصر مرتبط با بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در سریال دریاست. از آنجائیکه این سریال نخستین مجموعه تلویزیونی است که بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در آن بازنمایی شده بنابراین روشن ساختن ابعاد مختلف این بازنمایی می‌تواند به نوبه خود سهم و سیاست رسانه ملی در تبیین بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه و جهت‌دهی به فعالیت‌های احیای آن را آشکار سازد. سؤال اصلی که این پژوهش در صدد پاسخ به آن است، چگونگی بازنمایی بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در رسانه ملی است؟

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده به دست محقق در زمینه مرور منابع و متون مرتبط با بازنمایی مسائل زیست‌محیطی در رسانه‌ها مورد مشابهی یافت نشد. با این حال در ادامه، پژوهش‌هایی را که حول موضوع رسانه و مسائل زیست‌محیطی انجام شده‌اند و همچنین پژوهش‌هایی که به صورت خاص مربوط به بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه فارغ از مبحث رسانه‌ها هستند را به عنوان مروری بر منابع پیشین ذکر کردیم.

نقش تلویزیون در ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی مردم

غریب‌زاده (۱۳۸۹)، در رساله کارشناسی‌اش به راهنمایی هادی‌خانیکی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به بررسی نقش تلویزیون در ارتقاء فرهنگ زیست‌محیطی مردم (بررسی دیدگاه‌های متخصصان ارتباطات و محیط زیست) پرداخته است. او در این پژوهش میزان تأثیرگذاری و قابلیت تلویزیون را از منظر متخصصان در حوزه محیط‌زیست و رسانه بررسی کرده و بعد آن را با دیدگاه کارشناسان و دست‌اندرکاران محیط‌زیست در تلویزیون مورد مقایسه قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، باوجود اینکه رسانه‌ها نقش موثری در امر آموزش و آگاهی افکار عمومی و اطلاع‌رسانی محیط‌زیست دارند، اما کمترین نقش را در حوزه مسائل مربوط به محیط‌زیست ایفا کرده‌اند.

تأثیر بحران کاهش سطح آب دریاچه ارومیه در پایداری سکونتگاه‌های روستایی

صفیاری (۱۳۹۳)، در رساله کارشناسی‌ارشد خود به راهنمایی حسین فراهانی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زنجان، به بررسی تأثیر بحران کاهش سطح آب دریاچه ارومیه در پایداری سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه موردی بخش گوگان آذربایجان شرقی و بررسی نقش تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی در کاهش مهاجرت‌ها می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، کاهش سطح آب دریاچه ارومیه، بیشترین تأثیر منفی را بر ابعاد محیط‌زیست و اقتصاد و بعد اجتماعی از جمله افزایش مهاجرت، کاهش مشارکت و اعتماد داشته و کمترین تأثیر را در بعد کالبدی یعنی سامان‌دهی و بهبود ساخت و سازها داشته است.

در پژوهش غریب‌زاده، محور اصلی درخصوص محیط‌زیست بوده و نقش رسانه تلویزیون هم به عنوان یک متغیر اساسی مدنظر پژوهشگران بوده است و یافته‌های تحقیق از طریق روش‌های پژوهش روش پیمایش و کیو جمع‌آوری شده است. این پژوهش، میزان تأثیرگذاری و قابلیت تلویزیون را از منظر متخصصان در حوزه محیط‌زیست و رسانه را بررسی کرده و سپس آن را با دیدگاه کارشناسان و دست‌اندرکاران محیط‌زیست در تلویزیون مورد مقایسه قرار داده است. در پژوهش مذکور، نقش تلویزیون تنها از دید صاحب‌نظران حوزه ارتباطات و محیط‌زیست بررسی شده است در حالی که در پژوهش پیش‌رو، محقق به دنبال ارائه تحلیل و تفسیر از نحوه بازنمایی یک پدیده زیست‌محیطی در قالب سریال تلویزیونی است.

تحقیق صفیاری هم درخصوص نقش تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی در کاهش مهاجرت‌ها تنها از لحاظ موضوع بحث یعنی بحران کم‌آبی دریاچه ارومیه با تحقیق حاضر هم‌پوشانی دارد و از نظر متن و روش تحقیق کاملاً سویه‌ای جدا و متفاوت دارد. تحقیق وی از نوع توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. اما پژوهش ما در پی شناسایی نحوه بازنمایی بحران زیست‌محیطی دریاچه‌ارومیه در سریال‌های رسانه ملی بوده و برای تحقق این امر از تحلیل محتوای کیفی بهره برده است.

چهارچوب نظری

ارتباطات زیست‌محیطی

ارتباطات رسانه‌ای شده از اصلی‌ترین حوزه‌های پژوهشی ارتباطات زیست‌محیطی است و نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری تعاملی صحیح میان جوامع و محیط زیست، آگاهی‌بخشی درباره مشکلات و نحوه مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی، مهمترین عناوین مطرح در این حوزه را تشکیل می‌دهد. به طور کلی هدف اصلی ارتباطات زیست‌محیطی، بررسی نقش و کارکرد رسانه‌ها در اصلاح، تغییر و یا ارتقای روابط میان جوامع و محیط زیست است (کوکس^۱، ۲۰۱۰: ۷۸). موضوع پژوهش ارتباطات زیست‌محیطی و مطالعات مرتبط با آن، به طور عام، درباره این است که چگونه ارتباطات، یعنی کنش نمادین راهبردی که توسط مردم و سازمان‌ها به اشتراک گذاشته شده، هم فهم ما از دنیای فیزیکی و هم تعامل مان با آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نظریه چهارچوب‌سازی

در قلمرو مطالعات و پژوهش‌های ارتباطی، چهارچوب‌سازی^۲ به این معناست که رسانه‌ها نه آینه‌ای برای انعکاس واقعیت بلکه سازنده واقعیت و شکل‌دهنده به آن هستند. چهارچوب‌سازی به رابطه میان متن و اطلاعات به گونه‌ای که معنای خاصی را به ذهن متبادر می‌سازد، اشاره دارد. برپایه این نظریه، رسانه‌ها توجه خود را بر بعضی موضوعات و رویدادها متمرکز (برجسته‌سازی) و سپس آنها را در چهارچوب معنایی خاص قرار می‌دهند.

به بیان دیگر، رسانه‌ها به مخاطبان می‌گویند درباره «چه» فکر کنند و سپس چگونه فکر کردن را نیز در چهارچوبی که از پیش ساخته و پرداخته‌اند، بر آنان تحمیل می‌کنند. چهارچوب‌سازی مبتنی بر این فرض است که نحوه توصیف یک موضوع و رویداد در گزارش‌های خبری، بر [چگونگی] درک آن موضوع و رویداد توسط مخاطب، تأثیر می‌گذارد (شیفل و تیوکسبری، ۲۰۰۷: ۱۱). «بنابراین، کار رسانه‌ها تنها انتخاب رویداد و حوادثی خاص از میان رویدادهای زیاد نیست، بلکه معنی دادن

1. Cox

2. Framing

به آن نیز هست. رسانه‌ها ناگزیرند حوادث و رویدادها را برای مخاطبان‌شان مهم و با اهمیت نشان دهند؛ لازمه این کار نیز جای دادن خبر در متن یک روایت یا داستان است (استریت، ۱۳۸۴: ۶۰).

هرگونه بازنمایی واقعیت، نوعی چهارچوب‌سازی است. همان گونه که عکس گرفتن از یک صحنه نیز نوعی چهارچوب‌سازی است. روزنامه‌نگاران با انتخاب واقعیت‌های مرتبط و قرار دادن آنها در زمینه‌ها و بافت‌های مناسب، چهارچوب‌هایی را برای درک و فهم وقایع برای خوانندگان خلق می‌کنند.

به اعتقاد استریت^۱، درک فرایندهای انتخاب و روایت خبر، با استفاده از مفهوم چهارچوب‌سازی ممکن می‌شود. رابرت اینتمن^۲، چهارچوب‌سازی را چنین تعریف می‌کند: «چهارچوب‌سازی انتخاب شماری از وجوه واقعیت برای پرتوافکنی بر آنها و شماری دیگر برای در سایه قرار دادن آنهاست، به نحوی که در کل، داستانی منسجم و موجه درباره مشکلات، علل پیدایش آنها، مضامین اخلاقی آنها و راه‌های برطرف کردن‌شان به وجود آید (انتمن، ۱۹۹۶ به نقل از استریت، ۱۳۸۴: ۶۰-۶۱).

رسانه‌ها با چهارچوب‌سازی رویدادها، ساختار شناختی مشخص و تعریف شده‌ای را برای مخاطبان فراهم می‌کنند. به گونه ای که مفهوم‌سازی آنها از دنیای پیرامون و درک شان از واقعیت، براساس چهارچوب‌های رسانه‌ای باشد.

شیفل^۳ با ارائه یک الگوی فرایندی درباره ی اثر چهارچوب‌سازی ها، به دو نوع چهارچوب اشاره می‌کند: نخست، «چهارچوب‌های رسانه‌ای» و دوم «چهارچوب‌های فردی» (دریافت‌کنندگان). شیفل، تمایز مفهومی بین چهارچوب‌های رسانه‌ای و چهارچوب‌های فردی را به پیروی از کیندر^۴ و ساندرز^۵ (۱۹۹۰) انجام می دهد. کیندر و ساندرز اذعان می‌کنند که چهارچوب‌ها هم به عنوان «ترندهای زبانی در گفتمان سیاسی» و هم به عنوان «ساختارهای درونی ذهن» عمل می‌کنند.

1. J. Street
2. R. Entman
3. D. Scheufele
4. Kinder
5. Sanders

گیتلین نیز معتقد است چهارچوب‌ها عمدتاً به طور ضمنی و تلویحی، جهان را هم برای روزنامه نگارانی که [وقایع] آن را گزارش می‌کنند، و هم برای ما (مخاطبان) که دریافت‌کننده آن گزارش‌ها هستیم، تعریف و سازمان‌دهی می‌کنند (شیفل، ۱۹۹۹: ۱۰۵)

طبق الگوی شیفل، چهار فرایند چهارچوب‌سازی مرتبط به هم وجود دارد: نخست، بر ساخت و استفاده از چهارچوب‌های رسانه‌ای به وسیله روزنامه‌نگاران و دیگر کارکنان سازمان‌های خبری که تحت فشار منظم منابع، ارزش‌ها و زوایای خبری برای گزارش رویدادها هستند. دوم، انتقال گزارش‌های خبری متناسب با چهارچوب‌های رسانه‌ای به مخاطب. سوم، پذیرش این چهارچوب‌ها به وسیله مخاطبان. چهارم، پیامد چهارچوب‌سازی رسانه‌ها برای نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و رفتار مخاطبان (شیفل، ۱۹۹۹: ۱۰۶-۱۰۷).

رسانه‌ها برای چهارچوب‌سازی رویدادها و تولید معنا برای مخاطبان، از رویه‌ها و شگردهایی چون انتخاب واژگان، استعاره‌ها، کنایه‌ها، تمثیل‌ها و... استفاده می‌کنند تا داستان و روایتی معنادار از آن چه می‌خواهند بسازند، و نظام معانی خاصی برای مخاطبان خلق کنند. دی آنجلو به سه پارادایم متفاوت چهارچوب‌سازی اشاره می‌کند: نخست، الگوی شناختی که بر اندیشه‌ها و نظام واژگان روزنامه‌نگاران تأثیر می‌گذارد. دوم، الگوی ساختاری که روزنامه‌نگاران را فراهم‌کننده «بسته‌های تفسیری» در حمایت از مواضع منابع خبری می‌داند و سوم، الگوی انتقادی که چهارچوب‌ها را پیامد شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری خبر براساس ارزش‌های موردنظر نخبگان [قدرت و ثروت] می‌داند (مک کوایل، ۲۰۰۶: ۵۱۱). فرایند چهارچوب‌سازی رسانه‌ها شبیه ساخت چهارچوب برای خانه است که متناسب با اشیایی که در آن قرار می‌گیرد، برای آن چهارچوبی تهیه می‌شود؛ ارتباط گر نیز متناسب با محتوای پیام خود، قالب و ساختاری را برای آن انتخاب می‌کند (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۶۳).

بخشی از فرایند چهارچوب‌سازی، «بافت‌زدایی» ارتباط‌گر از رویداد یا پدیده است تا رسانه بتواند آن رویداد را مجدداً بافت‌زایی کند. از طریق فرایند بافت‌زدایی و بافت‌زایی، ویژگی‌های مشاهدات تغییر می‌یابد. رویدادی آشنا که در رسانه‌ها ارائه شده است، وقتی در بافت تازه ای ادراک می‌شود، تغییر ماهیت می‌دهد و آنچه

معمولاً آشنا به نظر می‌رسید، ممکن است عجیب و ناآشنا به نظر آید (ویندال، سیگنایزر و اولسون، ۲۰۱۳: ۲۵۸).

دی آنجلو (۲۰۰۲) به پارادایم متفاوت چهارچوب‌سازی اشاره می‌کند: نخست، الگوی شناختی که بر اندیشه‌ها و نظام واژگان روزنامه‌نگاران تاثیر می‌گذارد. دوم، الگوی ساختاری که روزنامه‌نگاران را فراهم‌کننده «بسته‌های تفسیری» در حمایت از مواضع منابع خبری می‌داند و سوم، الگوی انتقادی که چهارچوب‌ها را پیامد شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری خبر براساس ارزش‌های موردنظر نخبگان (قدرت و ثروت) می‌داند. فرایند چهارچوب‌سازی رسانه‌ها شبیه ساخت چهارچوب برای خانه است که متناسب با اشیایی که در آن قرار می‌گیرد، برای آن چهارچوبی تهیه می‌شود؛ ارتباط‌گر نیز متناسب با محتوای پیام خود قالب و ساختاری را برای انتخاب می‌کند. رابرت انتمن^۳، در رابطه با چهارچوب‌سازی رسانه‌ای می‌گوید: «چهارچوب‌سازی انتخاب شماری از وجوه واقعیت برای پرتوافکنی بر آنها و شماری دیگر برای در سایه قرار دادن آنهاست، به نحوی که در کل داستانی منسجم و موجه درباره مشکلات، علل پیدایش آنها، مضامین اخلاقی آنها و راه‌های برطرف کردن‌شان به وجود آید. رسانه‌ها با چهارچوب‌سازی رویدادها، ساختار شناختی مشخص و تعریف‌شده‌ای را برای مخاطبان فراهم می‌کنند به گونه‌ای که مفهوم‌سازی آنها از دنیای پیرامون و درک‌شان از واقعیت براساس چهارچوب‌های رسانه‌ای باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۳).

روش پژوهش

رهیافت‌های تحلیل محتوای کیفی

بر اساس نظریه شوییه و شانون^۳ می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: تحلیل محتوای عرفی یا قراردادی، تحلیل محتوای جهت‌دار و تحلیل محتوای تلخیصی یا جمععی.

در این پژوهش از آنجاییکه مقولات بدون رجوع به چهارچوب‌نظری از پیش

1. P.D angelo
2. R.Entman
3. Shannon

تعیین شده و به صورت مستقیم همزمان با مطالعه متن استخراج می‌شود، از رویکرد استقرایی یعنی تحلیل محتوای قراردادی برای تحلیل متن و گردآوری مقوله‌ها بهره می‌بریم. امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی براساس رویکرد قراردادی، به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه، بدون تحمیل مقوله یا نظریه‌های ازپیش تعیین شده است.

تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طراحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب زمانی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درخصوص پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله‌های پیش پنداشته می‌پرهیزند و ترتیبی می‌دهند که از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور کنند. این حالت را میرینگ، مقوله استقرایی نامیده است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). در واقع در این شکل از تحلیل محتوای کیفی محقق بدون مفروض گرفتن هر گونه تعریف یا تعمیمی قبل از شروع تحلیل، به مطالعه متن می‌پردازد و هر آنچه را که حاصل این تحلیل است به عنوان جمع‌بندی ارائه می‌دهد.

روش نمونه‌گیری

پژوهش پیش رو به تحلیل محتوای بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در سریال دریا می‌پردازد و اساس کار بر انتخاب مضامینی خواهد بود که به طور مستقیم به این مسئله می‌پردازند، لذا در این راستا از نمونه‌گیری هدفمند غیر تصادفی استفاده می‌شود. در تحلیل محتوای کیفی واحد تحلیل تم یا مضمون بوده و در این پژوهش، واحد تحلیل مضامین مرتبط با «بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه» است. جامعه آماری، سریال دریا است و در ابتدا پس از بررسی متن سریال که ۲۶ قسمت دارد، ۱۹ مضمون مرتبط با واحد تحلیل، شناسایی و بررسی شد و در نهایت ۱۰ مضمون به عنوان نمونه آماری انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت و سپس فرایند کدگذاری و ایجاد مقوله از درون آنها انجام گرفت.

در پژوهش حاضر، تحلیل داده‌ها براساس رویکرد نظریه زمینه مبنا انجام شده است. مراحل تحلیل اطلاعات بدین صورت بود که محقق، پس از گردآوری و پیاده

نمودن داده‌ها اقدام به کدگذاری کرده و با استفاده از کدگذاری باز، داده‌ها را با یکدیگر مقایسه و مرتبط‌ترین آنها باهم در ذیل یک مقوله معین قرار داده شدند. در مرحله بعد، در فرایند یکپارچه‌سازی مقوله‌ها که تعداد زیادی مقولات را شامل میشد با درنظر گرفتن کدگذاری محوری، مقوله‌هایی به مراتب قوی‌تر و مشخص‌تر ایجاد شدند. مقولات به دست آمده در طول اجرای پژوهش، پس از بازبینی، تغییر، حذف و اضافه در نهایت در قالب منظمی ارائه شدند.

معرفی سریال دریا

سریال تلویزیونی «دریا» در ۲۶ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای و به زبان آذری، به کارگردانی رامین اصغری قالقاچی در زمستان سال ۹۵ در سیمای مرکز آذربایجان غربی تولید شده است. موضوع اصلی و محوری این سریال، احیای دریاچه ارومیه است و سعی شده به خطرات خشک شدن این دریاچه در بعد ملی و منطقه‌ای توجه شود. فرهنگ‌سازی در مورد مصرف آب در حوزه‌های کشاورزی و خانگی و مشارکت مردم با دولتمردان برای احیای دریاچه ارومیه و اشاره به تلاش ستاد احیای این دریاچه از دیگر محورهای سریال دریاست. داستان سریال از آنجا شروع می‌شود که ناصر، تحصیل‌کرده دکترای آب و خاک به همراه دخترش دریا که دانشجوی رشته فیلم‌سازی است، بعد از ۲۰ سال، از مالزی به ارومیه می‌آیند تا در مراسم چهلم مادر ناصر شرکت کنند. در این بین، دریا تمایل دارد فیلم مستندش را به جای دریاچه آرال در ارومیه بسازد و به همین دلیل، ناصر مجبور می‌شود مدتی در ارومیه بماند. در این بین، رازهای زندگی ناصر در ۲۰ سال قبل که از دخترش دریا هم پنهان مانده بود، رفته رفته آشکار می‌شود. ناصر به احیای دریاچه اعتقادی ندارد، اما نگاه هنری دریا در مستندش و اعتقادات مردم به حیات دوباره دریاچه، ناصر را هم درگیر خود می‌کند.

سؤالات تحقیق شامل یک سؤال اصلی و پنج سؤال فرعی به شرح زیر است:

سؤال اصلی: بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در «سریال دریا» چگونه

بازنمایی شده است؟

سؤالات فرعی

۱. «سریال دریا» نقش کدام عامل یا عوامل را در به وجود آمدن بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه پررنگ نشان داده است؟
۲. «سریال دریا» چه تصویری از بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه داده است؟
۳. «سریال دریا» «سریال دریا» چه راهکاری برای گذر از بحران ارائه داده است؟
۴. «سریال دریا» چه آینده‌ای را برای بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه ترسیم کرده است؟

یافته‌های تحقیق

پس از مشاهده و بررسی کامل صحنه‌های سریال دریا که ۲۶ قسمت دارد، ابتدا برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق، ۱۹ مضمون مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شد. در مرحله بعد اطلاعات دسته‌بندی شده بازنگری و ۱۰ مضمون که مرتبط‌ترین محتوا درخصوص موضوع تحقیق را داشتند انتخاب و در ادامه مقولات و زیرمقوله از این مضامین استخراج و تجزیه و تحلیل شدند.

شخصیت‌های سریال

*دریا (با بازیگری مهشید جوادی): دریا نقش اصلی سریال، دختر دکتر ناصرافشار است. پدر و مادر او در کودکی از هم جدا شده‌اند و او به همراه پدرش به کشور مالزی مهاجرت کرده است. با درگذشت مادر بزرگ دریا او به همراه پدر به ایران و زادگاهش شهر ارومیه برمی‌گردد و قصد دارد در مدت اقامتشان در این شهر برای رساله دانشگاه‌اش از وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه فیلم مستند تهیه کند.

*پدر دریا در نقش دکتر ناصرافشار: دکتر ناصر افشار پیش از جدا شدن از مادر دریا و مهاجرت از ایران در ارومیه مهندس طراحی و ساخت سد بوده است. او دکتری تخصصی در رشته مهندسی آب دارد و مقالات بسیاری

در مجلات علمی بین‌المللی به نام او به چاپ رسیده است. دکتر افشار برخلاف کارشناسان داخلی براین عقیده است که دریاچه ارومیه قابل احیا نیست.

*** پدربزرگ دریا در نقش احمدآقا:** احمدآقا پدربزرگ دریا فردی موی سپیدکرده و باتجربه است او درگذشته ناخدای کشتی در دریاچه ارومیه بوده است، دکتر ناصرافشار یکی از پسران اوست و فرزند دیگر او در جنگ تحمیلی مفقودالایر شده است. احمدآقا در اراضی کشاورزی اجدادی‌اش مشغول باغداری و کشاورزی است او یک گلخانه مدرن تولید محصولات باغی دارد و نسبت به مسائل پیرامون خود از جمله بحران کم‌آبی آگاه است.

*** یحیی:** یحیی جوان روستایی و کشاورز است که پدرش در روستای حاشیه دریاچه ارومیه مالک زمینهای مرغوب و حاصلخیز کشاورزی بوده اما به علت خشکسالی و بحران آبی دریاچه، آب چاه‌ها شور می‌شود و زمین‌های کشاورزی آنها از بین می‌رود حالا او بدهکار شده و مجبور است برای تامین معاش خانواده‌اش در اراضی دیگران باغداری کند.

خلاصه داستان سریال دریا

مجموعه تلویزیونی دریا روایتگر زندگی چندین خانواده در شهر ارومیه است شهری که حالا با مسئله بحران کم آبی دریاچه ارومیه دست و پنجه نرم می‌کند. داستان سریال از این قرار است که نقش اصلی سریال یعنی دریا همراه با پدرش دکتر ناصرافشار پس از ۲۰ سال مهاجرت از ایران برای حضور در مراسم ختم چهل‌مادر بزرگ‌اش (مادر دکتر ناصرافشار) به ایران می‌آید.

دریا قصد دارد در مدت اقامتشان در ارومیه از دریاچه ارومیه فیلم مستند تهیه کند. پدربزرگ دریا یعنی احمدآقا پیرمردی دنیادیده است که در باغ موروثی اش در نزدیکی دریاچه ارومیه مشغول باغداری است. او برخلاف برخی از ساکنان منطقه، باغ شخصی خود را به ویلا تبدیل نکرده و باوجود خشکسالی همچنان آن را آباد نگه داشته است. احمدآقا در باغ شخصی‌اش از آب چاه به صورت بهینه استفاده می‌کند و با آبیاری نوین محصولات را پرورش می‌دهد.

پدربزرگ دریا با ایجاد گلخانه مدرن به تولید محصول مشغول و در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کند. او برخلاف پسرش دکتر ناصرافشار عقیده دارد که باید پای مشکلات ایستاد و آن را حل کرد اما دکتر ناصرافشار که استاد دانشگاه و دکتری تخصصی آب و خاک دارد به او توصیه می‌کند که باغ را بفروشد و پولش را سرمایه‌گذاری کند چرا که دریاچه ارومیه دیر یا زود خشک می‌شود و هرگونه اقدام برای احیای آن بیهوده است. یحیی شخصیت دیگر سریال، جوان کشاورز است که به علت خشکسالی و شوری آب چاه‌ها، زمین‌های کشاورزی او به شوره زار تبدیل و بیکار شده و به علت نزول گرفتن نیز بدهکار شده است. اراضی کشاورزی پدر یحیی جزو حاصلخیزترین اراضی است اما خشکسالی آن را از بین برده است. در نهایت اینکه فیلمنامه‌نویس در خلال داستان اصلی سریال دریا، مسائل مرتبط با بحران کم‌آبی دریاچه ارومیه را به تصویر کشیده است.

* مواردی که در قسمت دیالوگ‌ها در داخل علامت پارانترز آمده است،
۱- توضیحات تکمیلی پژوهشگر مبنی بر سابقه موضوع، ۲- توصیف حالت غیرکلامی و یا صحنه دیالوگ است.

بحث و بررسی

پاسخ پرسش اصلی: بحران کم‌آبی دریاچه ارومیه در «سریال دریا» چگونه بازنمایی شده است؟

پرسش اصلی در ذیل سؤالات فرعی و به صورت مبسوط پاسخ داده شده است.

پاسخ پرسش اول فرعی: «سریال دریا» نقش کدام عامل یا عوامل را در به وجود آمدن بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه پررنگ نشان داده است؟

مقصود از عوامل مؤثر در بروز بحران، مجموعه عواملی است که در به وجود آمدن بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه نقش داشته است. در سریال دریا تنها «عامل انسانی» (مطابق جدول شماره ۱) به معنای مجموعه اقدامات کشاورزان در بروز بحران خشکی دریاچه پررنگ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: مقوله‌های اصلی تحقیق

مقوله اصلی	زیرمقوله‌ها
انسان	برداشت غیرمجاز از روان آب‌ها و آب‌های زیرزمینی نداشتن الگوی کشت صحیح نداشتن دانش کشاورزی حفرچاه‌های غیرمجاز

تجزیه و تحلیل مقوله اصلی

در سریال دریا «عامل انسانی» در بروز بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه تاثیرگذار نشان داده شده به نحوی که فعالیتهای انسان یعنی باغداران و کشاوران در محور این بازنمایی است. نقش پدربزرگ (احمدآقا) در سریال، اقدامات انسانها را یکی از عوامل اصلی خشک‌شدن دریاچه عنوان می‌کند و کشاوران را فاقد دانش کشاورزی می‌داند که حتی نمی‌دانند چه چیزی کشت کنند و چه موقع کشاورزی کنند. در دیالوگ دیگر، مردی که نقش باغدار را دارد فردی سنتی است و حفر چاه‌های متعدد در باغ شخصی‌اش را حق خود می‌داند و متوجه اثرات حفرچاه غیرمجاز و مصرف بی‌رویه آب نیست. او همچنین در خصوص سیستم آبیاری نوین اطلاعاتی ندارد و درباره تسهیلات بلاعوض دولت برای تجهیز اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری نوین نیز توجه نیست و تبلیغات تلویزیون و نهادهای متولی در این زمینه را دروغ فرض می‌کند.

پاسخ پرسش دوم فرعی: «سریال دریا» چه تصویری از بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه داده است؟

الف: ابعاد اقتصادی

مقصود از ابعاد اقتصادی بازنمایی شده در سریال، اثرات بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه بر وضعیت اقتصادی و معیشت مردم منطقه است. در سریال دریا «نابودی کشاورزی»، «تعطیل شدن کشتیرانی» در دریاچه ارومیه و «از بین رفتن ظرفیت گردشگری» دریاچه (مطابق جدول شماره ۲)، موارد تحمیلی بحران خشکی دریاچه ارومیه بر اقتصاد و معیشت مردم، مقولاتی‌اند که برای پاسخ به سؤال استخراج شدند.

جدول شماره ۲: مقوله‌های اصلی ابعاد اقتصادی

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها
نابودی کشاورزی	نبود آب برای کشاورزی افزایش هزینه تامین آب
تعطیل شدن کشتیرانی	متروکه شدن بنادر از بین رفتن امکان کشتیرانی
از بین رفتن ظرفیت گردشگری	از بین رفتن جذابیت طبیعی دریاچه ریزش گردشگران

تجزیه و تحلیل مقولات اصلی

با بروز پدیده کم‌آبی و به وجود آمدن بحران زیست محیطی، به تدریج آب چاه‌های اطراف حوضه آبریز دریاچه شور شده به گونه‌ای که کشاورزان برای آبیاری اراضی خود بامشکل مواجه می‌شوند و تداوم این روند موجب از بین رفتن باغداری و کشاورزی در محدوده دریاچه ارومیه می‌شود.

بحران خشکی دریاچه ارومیه، بنادر دریاچه را از رونق انداخته و کشتی‌ها نیز به گل نشسته‌اند. (اشاره به کشتی به گل نشسته قدیمی در پهنه دریا که به نوعی در عکاسی‌ها و قاب دوربین‌ها به نماد مرگ دریاچه ارومیه تبدیل شده بود.)

دیالوگ کاراکتر پدربزرگ که می‌گوید: «در گذشته نه چندان دور تجار بازار ارومیه کالاها را از طریق کشتی‌ها به نقاط مختلف ارسال می‌کردند و بنادر رونق داشتند، حالا بندر گل‌مانخانه و شرفخانه در دوسوی دریاچه ارومیه متروکه شده‌اند و تنها اسم بندر بر روی آنها باقی مانده است. بنادری که نه آب دارند، نه کشتی و نه رونق». دریاچه ارومیه در گذشته برای گردشگران چشم نواز و جذاب بود اما با بروز بحران کاملاً شرایط بالعکس شد. دیالوگ کاراکتر پدربزرگ که به نوه اش دریا می‌گوید: «مسافران درگذشته برای سیاحت و تفریح به دریاچه می‌آمدند و سوار کشتی‌ها می‌شدند».

ب: ابعاد اجتماعی

مقصود از ابعاد اجتماعی و فرهنگی بازنمایی شده در سریال، اثرات زیست‌محیطی دریاچه ارومیه بر زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم پیرامون دریاچه است که ناگزیر زندگی آنان تحت تاثیر آن قرار گرفته است.

در سریال دریا، معضلاتی چون «بیکاری»، «مهاجرت» و «ارتکاب جرم» (مطابق جدول شماره ۳) به عنوان اثرات غیرقابل اجتناب بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه بر اجتماع منطقه بازنمایی شده است.

جدول شماره ۳: مقوله‌های اصلی تحقیق در ابعاد اجتماعی

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها
بیکاری	از بین رفتن امکان کشاورزی به علت نبود آب - کاهش درآمد روستاییان
مهاجرت	نبود فرصت اشتغال در روستا - کوچ به امید پیدا کردن کار
ارتکاب جرم	گرفتن پول نزول - دزدی و سرقت

تجزیه و تحلیل مقوله‌های اصلی

یکی از اثرات بحران دریاچه ارومیه بر زندگی مردم منطقه معضل بیکاری در روستاهای حوضه آبریز دریاچه ارومیه است. کم‌آبی موجب شور شدن آب چاه‌ها و از بین رفتن اراضی کشاورزی و در نهایت بیکاری کشاورزان و باغداران منطقه شده است. کاراکتر یحیی در سریال از جمله کشاورزانی است که چاه‌های آب اراضی او یکی پس از دیگری کم‌آب و شور شدند. پیش از این اراضی کشاورزی آنها یکی از مرغوب‌ترین و حاصلخیزترین اراضی حاشیه دریاچه ارومیه بوده که باشوره زار شدن اراضی، او حالا بیکار و درمانده شده و دنبال راه چاره‌ای برای تأمین معاش همسر و فرزندش است که به زودی متولد خواهد شد. بیشتر اهالی روستا به ناچار برای پیدا کردن کار و تأمین معیشت به شهر کوچ کرده‌اند و یحیی نیز با وجود نگرانی‌های همسر باردارش مصمم است برای فرار از وضعیت بد اقتصادی زندگی در روستا را رها و به شهر کوچ کند.

بحران دریاچه ارومیه اثر مستقیمی بر مناطق روستایی حوضه آبریز دریاچه داشته و زندگی بسیاری از روستاییان به طور مستقیم تحت تاثیر این مسئله قرار گرفته است. در سریال دریا، خشکسالی و نبود کسب و کار در روستا موجب کوچ اغلب روستاییان شده است، آنها برای پیدا کردن کار و اداره زندگی مجبور به مهاجرت شده‌اند. یحیی مصداق بارز یک باغدار روستایی است، خشکسالی موجب شور شدن آب چاهها شده و او به تدریج بیکار و بدهکار شده است و از نظر او تنها راه حل مسئله و رهایی از مشکلات، مهاجرت به شهر است. یکی از اثرات بحران دریاچه ارومیه بر زندگی کشاورزان بیکاری است، پدیده بیکاری نیز در اجتماع به اشکال مختلفی بروز و ظهور دارد. در سریال دریا کاراکتر یحیی فردی سردرگم و حیران را به نمایش می‌گذارد که تنها سرمایه‌اش یعنی زمین کشاورزی و باغ را از دست داده و هر روز فقیرتر و بی‌چیزتر می‌شود. فقر و بیکاری موجب شده که او پول نزول بگیرد و حتی برای جلب رضایت فردنزل دهنده دست به دزدی هم بزند.

ج: ابعاد فرهنگی

در سریال دریا، مسئله «هویت» و «تقابل دوگفتمان متفاوت در احیای دریاچه» (مطابق جدول شماره ۴) از جنبه ابعاد فرهنگی بازنمایی شده است.

جدول شماره ۴: مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی تحقیق

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها
دریاچه ارومیه نماد هویت مردم	عجین بودن با تاریخ و فرهنگ مردم - تاریخ‌مند بودن دریاچه
تقابل دوگفتمان متفاوت در احیای دریاچه ارومیه	تفاوت در جهان بینی- تفاوت در عملکرد- تفاوت در تعهد به آب و خاک (وطن)

تجزیه و تحلیل مقوله‌های اصلی

نام ارومیه همیشه با دریاچه فیروزه‌ای آن عجین بوده و به نوعی دریاچه ارومیه نماد شهر ارومیه است. در دیالوگ سریال، کاراکتر پدربزرگ کشتی‌های به

گل نشسته را شناسنامه دریاچه ارومیه میداند و دریاچه را شناسنامه مردمان منطقه به خصوص شهر ارومیه. او خاطرات خوبی از دریاچه به یاد دارد که حتی نمی‌تواند تحمل کند که این کشتی‌های به گل نشسته و زنگ زده به دست سودجویان اوراق شود و از بین برود. به عقیده او تمام نمادهای دریاچه نیمه‌جان ارومیه باید حفاظت شود تا عظمت دریاچه‌ای که در این منطقه وجود داشته است از اذهان پاک نشود. او احیای مجدد دریاچه را عامل بازبازی هویت منطقه می‌داند.

در سریال دریا بین پدر و پسر درخصوص نحوه برخورد با بحران کم‌آبی دریاچه ارومیه اختلاف نظر وجود دارد. دکترناصر که مدت ۲۰ سال از ایران دور بوده بر این عقیده است که دریاچه ارومیه به زودی خشک خواهد شد و باغداری و کشاورزی در حاشیه آن بیهوده و عبث است. در مقابل، کاراکتر احمدآقا پدر دکترناصر بین نگرش خود و پسرش تمایز قائل می‌شود، او خطاب به دکتر ناصر که به علت برخی مشکلات خانوادگی در گذشته ایران را ترک کرده بود می‌گوید، «تو رفتی کشور بیگانه و خیال خودت رو راحت کردی!». احمدآقا روبرو شدن با مشکل را بر فرار کردن از آن ترجیح می‌دهد. در اینجا پدر بین رهاکردن باغ و آبادکردن آن گزینه دوم را انتخاب کرده است برخلاف دکترناصر که پیش‌پیش و بدون هیچ‌امیدی نسخه مرگ دریاچه ارومیه را پیچیده است. پدر نماد کسی است که وطن‌اش را دوست دارد و برای حل مشکلات آن ایستادگی می‌کند برخلاف پسر که وطن و دارایی خود را رها کرده است. پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پاسخ پرسش سوم فرعی: «سریال دریا» چه راهکاری برای گذر از بحران ارائه داده است؟

مقصود از راهکار، مجموعه اقداماتی است که از نظر کارشناسان برای گذر از بحران و احیای دریاچه ارومیه حائز اهمیت است. در سریال دریا، «مدیریت منابع آب» و «اصلاح روند توسعه نامتوازن کشاورزی» (مطابق جدول شماره ۵) دو مقوله‌ای هستند که برای گذر از بحران ارائه شده است.

جدول شماره ۵: مقوله‌های استخراج‌شده سؤال سوم تحقیق

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها
مدیریت منابع آب	جلوگیری از برداشت غیرمجاز آب- جلوگیری از حفرچاه غیرمجاز - تجهیز باغات به سیستم آبیاری نوین
اصلاح روند توسعه نامتوازن کشاورزی	اصلاح الگوی کشت - کشت محصولات کم آب‌بر

تجزیه و تحلیل مقوله‌های اصلی

در سریال دریا برداشت غیرمجاز آب به دست کشاورزان و مصرف بی‌رویه روان آب‌ها و آب‌های زیرزمینی پروبلماتیزه شده است. استفاده از سیستم‌های آبیاری نوین و استفاده اصولی از منابع آب مواردی است که کشاورزان آن را رعایت نمی‌کنند و یا اینکه از ضرورت رعایت آن آگاهی لازم را ندارند. در سریال دریا، کاراکتر «دایی» باغدار است که به روش سنتی باغداری می‌کند و حفرچاه‌های آب متعدد در اراضی کشاورزی را حق مسلم خود می‌داند. او چنین فرض می‌کند که می‌تواند هرطور که صلاح بداند از آبهای روان و زیرزمینی محدوده باغ خود برای آبیاری استفاده کند درمقابل، احمدآقا او را به استفاده از سیستم آبیاری نوین با تسهیلات بلاعوض دولت و کشت محصولات کم‌آب‌بر تشویق می‌کند.

الگوی کشت نامناسب و کشت محصولات آب‌بر و افزایش سطح زیرکشت، همگی در توسعه نامتوازن کشاورزی در حوضه آبریز اثرگذار بوده است. در سریال دریا، کاراکتر «دایی» کسی است که به صورت بی‌رویه باغ خود را توسعه داده و هر نوع محصولی در آن کشت می‌کند، حالا او برای آبیاری و تامین آب با مشکل مواجه شده و قصد دارد یک حلقه چاه غیرمجاز حفر کند. او بدون توجه به محدودیت‌های منابع آب، باغ شخصی خود را توسعه داده و محصولات مختلفی در باغ خود کشت کرده است و انتظار دارد برای آبیاری آنها به دلخواه چاه آب حفر کند و آب کافی در اختیار داشته باشد.

پاسخ پرسش چهارم فرعی: «سریال دریا» چه آینده‌ای برای دریاچه ارومیه ترسیم کرده است؟

احیای مجدد دریاچه ارومیه آینده روشنی است که سریال نوید آن را می‌دهد البته به شرط «داشتن خودباوری» و «مطالبه‌گری».

جدول شماره ۶: مقوله‌های استخراج‌شده سؤال چهارم تحقیق

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله‌ها
احیای مجدد دریاچه ارومیه	امیدواری- مطالبه‌گری

تجزیه و تحلیل مقوله‌های اصلی

مطابق با یافته‌های جدول فوق (شماره ۶)، سریال دریا آینده روشنی برای دریاچه ارومیه ترسیم می‌کند و آن چیزی نیست جز احیای دریاچه ارومیه. پیش شرط تحقق این آینده روشن هم مطالبه‌گری و حفظ امید است. شخصیت دریا بازیگر جوان و نقش اصلی در آخرین سکانس از سریال، نظاره‌گر دریاچه نیمه‌جان ارومیه است. او که به علت مهاجرت به خارج از کشور شاهد روزهای پرآبی دریاچه ارومیه نبوده، از پدربزرگ (احمدآقا) می‌پرسد که آیا دریاچه ارومیه دوباره پرآب خواهد شد؟ پدربزرگ که فردی سپیدموی و باتجربه است به دریا اطمینان می‌دهد که روزی دوباره دریاچه پرآب و موج خواهد شد مثل سال‌های نه چندان دور گذشته. پدربزرگ هنوز امیدوار است و اطمینان می‌دهد که دریاچه دوباره زنده خواهد شد چرا که به چشم خود امواج بلند دریاچه را دیده است و نمی‌تواند قبول کند که دریاچه ارومیه به کویر تبدیل شود.

پدربزرگ در پاسخ به سؤال دریا مبنی بر اینکه آیا دریاچه دوباره احیا خواهد شد یا نه؟ به او اطمینان می‌دهد که او و همه جوانان دوباره شاهد احیای دریاچه ارومیه خواهند شد به شرط آن که همت داشته باشند و از هیچ تلاشی برای احیای دوباره دریاچه دریغ نکنند. در واقع پدربزرگ که در اینجا نماد دانای کل است وظیفه خطیری بر دوش جوانان می‌گذارد و آنها را مکلف می‌کند که در راه احیای دریاچه تلاش کنند و این امر مهم را به سرانجام برسانند.

جدول شماره ۷: جمع‌بندی مقوله‌های اصلی به همراه مقوله‌ها و زیرمقوله‌های سریال

ردیف	بررسی ابعاد بحران	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
۱	علل بروز بحران زیست محیطی دریاچه ارومیه	انسان	برداشت غیرمجاز از روان‌آب‌ها و آب‌های زیرزمینی- نداشتن الگوی کشت صحیح- نداشتن دانش کشاورزی- حفر چاه‌های غیرمجاز
۲	اثرات اقتصادی بحران	تعطیل شدن کشتیرانی	از بین رفتن امکان کشتیرانی - متروکه شدن بنادر
		از بین رفتن ظرفیت گردشگری	از بین رفتن جذابیت طبیعی دریاچه- کاهش شمار گردشگران
		نابودی کشاورزی	نبود آب برای کشاورزی- افزایش هزینه تامین آب
۳	اثرات اجتماعی بحران	بیکاری	نابودی کشاورزی - کاهش درآمد روستاییان
		مهاجرت	نبود فرصت اشتغال در روستا - کوچ به امید پیدا کردن کار
		ارتکاب جرم	گرفتن پول نزول - دزدی و سرقت
۴	اثرات بحران در ابعاد فرهنگی	دریاچه ارومیه نماد هویت مردم منطقه	عجین بودن با تاریخ و فرهنگ مردم - تاربخمند بودن دریاچه
		تقابل دوگفتمان متفاوت در احیای دریاچه ارومیه	تفاوت در جهان بینی- تفاوت در عملکرد- تفاوت در تعهد به آب و خاک(وطن)
۵	راهکار گذر از بحران	مدیریت منابع آب	جلوگیری از برداشت غیرمجاز آب - جلوگیری از حفرچاه غیرمجاز - تجهیز اراضی به سیستم آبیاری نوین
		اصلاح روند توسعه نامتوازن کشاورزی	اصلاح الگوی کشت - کشت محصولات کم آب بر
۶	ترسیم آینده دریاچه ارومیه	احیای مجدد دریاچه ارومیه	مطالبه‌گری و داشتن امید

نتیجه‌گیری

در سریال دریا با تحلیل مضامین مرتبط با بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه در مجموع ۱۲ مقوله با زیر مقولات اختصاصی استخراج شد. این مقولات در قالب عناوین کلی به معنای دیدگاه مسلط در سریال به شرح ذیل جمع‌بندی شده است:

در سریال دریا، دریاچه ارومیه با تمام نمادهایش از جمله کشتی‌های به‌گل‌نشسته، شناسنامه مردم منطقه نامیده می‌شود. آنجا که کاراکتر «احمدآقا»

در دیالوگ هفتم کشتی‌های به گل نشسته در دریاچه را شناسنامه دریاچه عنوان می‌کند و می‌گوید: «این (کشتی‌ها) اینجان که نذارن مردم دریا رو از یاد بیرن». در این سریال تمامی این نمادها گذشته دریاچه را یادآوری می‌کنند، شکوه و عظمتی که فراموشی آن به قیمت فراموشی هویت و تاریخ مردمان منطقه تمام خواهد شد. سریال، تلویحاً احیای مجدد دریاچه ارومیه را ضامن حفظ هویت مردم آذربایجان می‌داند.

در سریال دریا، عامل انسانی در بروز بحران برجسته شده است. برداشت غیرمجاز از روان آبها و آبهای زیرزمینی، نداشتن الگوی کشت صحیح، نداشتن دانش کشاورزی و حفرچاه‌های غیرمجاز همگی عواملی اند که نشأت گرفته و معلول عمل و طرز فکر کشاورزان و باغداران حوضه آبریز دریاچه ارومیه است.

سریال، اقدامات انسان به معنای اخص آن یعنی توسعه فعالیت‌های غیراصولی کشاورزی را به چالش می‌کشد و آن را یکی از مهمترین محرک‌های نابودی دریاچه ارومیه نشان می‌دهد. کارکرد ارتباطات زیست‌محیطی، یعنی شکل‌دهی فعالانه به ادراک ما و پراگماتیک بودن آن، عموم را به سوی آموزش‌های زیست‌محیطی هدایت و از آنها برای کنشگری به منظور حل این مشکلات دعوت و پشتیبانی می‌کند

در سریال دریا، پدیده‌های «بیکاری»، «کوچ اجباری» و «ارتکاب جرم» در زندگی شخصیت‌های سریال بازنمایی میشود چرا که عوارض بحران خشکی دریاچه ارومیه، اراضی کشاورزی را نابود، کشاورزان را فقیر و زمینه بروز ناهنجاری را فراهم کرده است. شخصیت «یحیی» در این سریال، نماد بارز یک جوان روستایی است که با بروز پدیده خشکی دریاچه ارومیه به اجبار کشاورزی و زندگی در روستا را رها کرده و به علت بدهکاری و فقر مرتکب بزهکاری اجتماعی می‌شود. او به تدریج بیکار و بدهکار شده و تنها راه‌حل مسئله را مهاجرت به شهر می‌داند.

یکی از آثار ملموس بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه تبعات اقتصادی آن بر مردم منطقه است. در سریال دریا، بحران خشکی دریاچه ارومیه موجب نابودی کشاورزی، تعطیلی کشتیرانی و صنعت گردشگری منطقه شده است. خشکی دریاچه و شورشدن آب چاه‌ها موجب از بین رفتن کشاورزی و به مخاطره افتادن معیشت

روستاییان حوضه آبریز شده است چرا که هزینه تامین آب برای کشاورزان به نحو چشمگیری افزایش یافته است. دریاچه ارومیه در گذشته شاهراه ارتباطی بین استانهای آذربایجان غربی و شرقی بوده به نحوی که وجود دویندر شرفخانه و گلخانه که در حال حاضر متروک شده‌اند، مؤید این مطلب است. در گذشته، کشتی ارزان‌ترین و مطمئن‌ترین وسیله برای حمل و نقل کالاهای تجاری بوده و کالاها از این طریق برای صادرات ابتدا به بندر شرفخانه و سپس از طریق راه آهن به شمال غرب کشور حمل می‌شده است. همانگونه که شخصیت «پدربزرگ» در دیالوگ چهارم می‌گوید: «در قدیم تجار، کالاها را در بندر گلخانه بار کشتی می‌کردند و به اینجا می‌فرستادند و از اینجا هم کالاها رو بار قطار می‌کردند و به خارج از کشور و شهرهای مختلف ایران ارسال می‌کردند». در سریال دریا، ظرفیت گردشگری دریاچه ارومیه را که نشان داده شده چراکه دیگر نه گردشگری هست و نه اثری از جاذبه‌های طبیعی دریاچه! در سریال دریا، دو گفتمان متفاوت درخصوص وضعیت کنونی و آینده دریاچه ارومیه وجود دارد. در یک طرف گفتمانی است که عقیده دارد دریاچه ارومیه دیگر قابل احیا نیست و در طرف دیگر، گفتمانی که پایبند به سنتهاست و براین عقیده است که باید برای حل مشکل چاره اندیشی شود. این دو گفتمان در شخصیت پدربزرگ «احمدآقا» به عنوان پدر و «دکتر ناصرافشار» پسر او بازنمایی شده است. «احمدآقا» پدر شهید مفقودالآثر سالهاست چشم انتظار بازگشت پیکر پسرش است. او بین رها کردن باغداری و تبدیل آن به ویلا و سرمایه‌گذاری و از طرفی حراست و آبادکردن ملک شخصی اش، دومی را انتخاب کرده چرا که دل در گرو این آب و خاک دارد و بدان وابسته است. در واقع سریال بر این نکته صحنه می‌گذارد که تفاوت این دوگفتمان در جهان‌بینی آنها نهفته است. در سریال، شخصیت «پدربزرگ» در دیالوگ نهم در مشاجره با پسرش «دکتر ناصرافشار» می‌گوید: «تو نمیتونی جای من باشی، چون نگرش هر دومون به زندگی فرق داره، پسر من تو رفتی تو کشور بیگانه و خیال خودتو راحت کردی!! لازم نیست به فکر دریای ماهم باشی، انشاءالله خودمون یه فکری براش می‌کنیم». در حدود ۷۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر حوضه آبریز دریاچه ارومیه در بخش‌های مختلف مصرف می‌شود به نحوی که بخش کشاورزی بیش از ۶۰ درصد از کل منابع آب تجدیدپذیر حوضه و حدود ۹۰ درصد از مصارف آب آن را به خود اختصاص

داده است. به گفته کارشناسان این میزان برداشت از منابع آب تجدیدپذیر حوضه، موجب کاهش ۵۰ درصدی حجم آب ورودی به دریاچه شده است. در سریال دریا، نحوه «مدیریت منابع آب» و «اصلاح روند توسعه نامتوازن کشاورزی» به عنوان راهکارهای ارائه شده برای گذر از بحران دریاچه ارومیه بازنمایی شده است. تجهیز باغات به سیستم آبیاری نوین، جلوگیری از برداشت غیرمجاز آب و جلوگیری از حفرچاه غیرمجاز و اصلاح الگوی کشت مواردی‌اند که در سریال بدانها پرداخته شده است. وجود الگوی کشت غیراستاندارد و افزایش بی‌رویه سطح زیرکشت از عوامل موثر در توسعه نامتوازن کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه است. سریال، تلویحا در این موارد برخی کشاورزان را فاقد آگاهی و دانش زمینه‌ای کافی قلمداد می‌کند که همچنان به روش سنتی، باغداری و کشاورزی می‌کنند و از ضرورت‌ها و مزایای کشاورزی مدرن اطلاع کافی ندارند. آنجا که شخصیت «پدربزرگ» در دیالوگ دهم خطاب به «دایی» باغدار همسایه می‌گوید: «۸۵ درصد هزینه آبیاری قطره‌ای رو دولت میده»؛ «دایی» در جواب او می‌گوید: «در تلویزیون هم میگن، همشو دروغ میگن، کی میخواد پول بده؟!». براساس نظریه یادگیری اجتماعی انسانها بیشتر آنچه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند، صرفا از تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی‌گیرند، بلکه عمده آنها به طور غیرمستقیم و به ویژه از طریق رسانه‌های جمعی آموخته می‌شود. نقش جامعه‌پذیری رسانه‌ها به این معناست که رسانه‌ها ارزش‌ها و هنجارهای مقبول و جاافتاده اجتماعی را از رهگذر پاداش و تنبیه نمادین برای انواع متفاوت رفتار به مردم یاد می‌دهند.

در سریال دریا، شخصیت «احمدآقا» که پدربزرگ دریا بازیگر نقش اصلی است، پیرمردی باتجربه بازنمایی شده است، او دوران پرآبی دریاچه ارومیه را به یاد دارد و به قول خودش هنوز هم صدای امواج دریا در گوشش می‌پیچد. در مقابل بازیگر نقش «دریا» که از کودکی در خارج از کشور زندگی کرده و هیچ تصویری از دریاچه پرآب ارومیه در ذهن ندارد تصور این که در گذشته دریاچه ارومیه پرآب و موج بوده برای او دشوار است. در دیالوگ یازدهم، پدربزرگ در جواب نوه‌اش دریا که از او سؤال می‌کند: «آقا جان به نظرت دوباره صدای امواج دریا رو می‌شنویم؟!»، می‌گوید: «مطمئنم شما اون روز رو میبینین دخترم، اگه شما (جوان‌ها) همت داشته باشین همچین روزی رو خواهید دید، دوباره صدای امواج دریا رو خواهید شنید».

سریال در اینجا تلویحا آینده دریاچه ارومیه را روشن و امیدوارکننده ترسیم می‌کند اما برای آن یک شرط فرض می‌گیرد، به شرط مطالبه‌گری و اراده جوانان. نقش اصلی سریال دریا، دختری است به اسم دریا، دریا و زن هر دو نماد بخشندگی و رویش اند، همنشینی این دو به معنای حیاتی است که پیوسته در حال جوشش و زایش است.

تفسیر سریال

در سریال دریا، گفتمان مسلط در ارتباط با مضامین مرتبط با بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه است. در این سریال، انسان مهمترین عامل اثرگذار در بوجد آمدن بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه شناسایی و نشان داده شده است. نقش انسان در برداشت بیش از اندازه از منابع آب و توسعه نامتوازن کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه برجسته شده اما این برجسته‌سازی بدون آن که پروبلماتیزه شود، تنها کشاورز و اقدامات او را زیر ذره بین قرار داده است. در حوزه عاملیت انسان، بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه محصول عوامل متعددی است که حول مقوله «آب» سازمان یافته‌اند و هر کدام از آنها به سهم خود در ایجاد بحران نقش داشته‌اند. سریال، بدون آنکه نقش دستگاه‌های متولی امور «آب» و جهاد کشاورزی را پروبلماتیزه کند و اقدامات آنها را از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی بازنمایی کند، تنها به مسئله‌دار کردن اقدامات انسانی بسنده می‌کند. از منظر اندیشمندان جامعه‌شناسی سیاسی، باید بین بحران کم‌آبی و بحران آب تمایز قائل شد چراکه بحران کم‌آبی معلول شرایط اقلیمی است درحالی‌که بحران آب پدیده‌ای چندوجهی و معلول تحولات توسعه و اقتصاد و سیاست و تعامل بین آنهاست. برای مثال اثرات احداث پل میانگذر دریاچه ارومیه به تبریز و تداوم این روند در سریال مغفول مانده است. این پل که در زمان دولت وقت یعنی دولت نهم با شعار «از این پس از روی تمام دریاها خواهیم گذشت» ساخته شد پس از گذشت سال‌ها، حالا به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده بحران دریاچه ارومیه شناسایی شده است. به عقیده کارشناسان، احداث این پل منجر به ایجاد اختلال در گردش طبیعی آب دریاچه و رسوب‌گذاری غیرمتعارف و کاهش ظرفیت خودپالایی آب شده و به زوال طبیعی اکوسیستم دریاچه ارومیه ختم خواهد شد. در واقع در سریال، دستگاه‌های متولی امور کشاورزی، آب و محیط‌زیست که به طور مستقیم و غیرمستقیم در شناسایی به موقع بحران دریاچه ارومیه و کنترل کیفیت ارائه خدمات کشاورزی و آب در حوضه

آبریز دریاچه ارومیه مسئول‌اند، غایب هستند و نقش آنها در ایجاد، شناسایی و مقابله با بحران مسئله دار نشده است. به نظر محقق در شرایط کنونی تنها متوسل شدن به اقدامات کشاورزان، چهارچوب‌سازی و ساده‌سازی مسئله است و موضوع اصلی قبول مسئولیتها و اهتمام برای حل مشکل که همان مدیریت منابع آب در سطح کلان است باید در رسانه ملی بازنمایی شود.

منابع

ایمان، محمدتقی؛ و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه پژوهش*، شماره ۲.

رضانی، محمد حسین (۱۳۹۵). «توسعه پایدار و حق بر محیط‌زیست سالم: چشم‌انداز نسل‌های آینده»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره ۱.

صفیاری، رسول (۱۳۹۳). *تأثیر بحران کاهش آب سطح دریاچه ارومیه در پایداری سکونتگاه‌های روستایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.

غریب‌زاده، زینب (۱۳۸۹). *نقش تلویزیون در ارتقای فرهنگ زیست‌محیطی مردم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

فیسک، جان (۱۳۹۰). «فرهنگ تلویزیون»، (مترجم: مژگان برومند)، *فصلنامه ارغنون*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (نشر اثر اصلی ۱۹۸۶)، شماره ۱۹.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، محمد (۱۳۸۹). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: چاپ همشهری

منتظرقائم، مهدی (۱۳۹۵). *رسانه و محیط‌زیست: مقدمه‌ای بر ارتباطات زیست‌محیطی*، رسانه فرهنگ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.

ویندال سون، بنوسیگنایز؛ و جین، اولسون (۱۳۷۶). *کاربرد نظریه‌های ارتباطات*،

(مترجم: علیرضا دهقان)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Bonfadelli, Heinz (2010). Environmental sustainability as challenge for media and journalism, In M. Gross and H. Heinrichs (Eds.), *Environmental Sociology; European perspectives and interdisciplinary challenge* (pp. 257-278). London: Springer.

Bronk, Kendall Cotton, Hill, Patrick L., Lapsley, Daniel K, Talib, Tasneem L. and Finch, Holmes (2009). Purpose, hope, and life satisfaction in three age groups, *The Journal of Positive Psychology*, Vol. 4, No. 6, pp. 500–510.

Cox, J.R. (2010). *Environmental Communication and the Public Sphere*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Mcquail, D (2006) *Mcquail's Mass Communication Theory*, Sage Publications.

Muir, Star A. and Thomas L. Veenedall (1996). *Earth Talk; Communication Empowerment For Environmental Action*, London: Praeger.

Pleasant, Andrew, Jennifer Good, James Shanahan and Brad Cohen (2002). *The Literature of Environmental Communication, Public Understanding of Science*.

Scheufel, D and Tewksbury, D (2007) "Framing, Agenda Setting, and Priming, *Journal of Communication*, Vol 57. No 1.

Scheufele, Dietram A. (1999) Framing as a Theory of Media Effects Get access Arrow. *Journal of Communication*, Volume 49, Issue 1, March 1999, Pages 103–122.